



مطالعه اندک تاریخ مطبوعات و تجربه ۲ دهه فعالیت روزنامه‌نگاری و عکاسی خبری نگارنده نشان می‌دهد بسیاری از دولت‌ها در جهان با قلم‌به‌دستان بویژه روزنامه‌نگاران مستقل، آزاد و متعهد، سر ناسازگاری دارند و آنان را مانع فریب افکار عمومی به نفع قدرت می‌دانند.

اما کشورهای در حال توسعه و توسعه‌یافته، کمی بیشتر از سایرین گاه از سر اجبار یا براساس تعریف و تعهدهای تدوین و امضاشده خود «مجبور»ند فضا را برای انتقال آزاد اطلاعات باز کرده و مردم را از حق دانستن محروم نکنند و فضا را توسط جامعه رسانه‌ای برای خدمت به انسانیت مساعد کنند.

صاحبان فکر و متخصصان علوم نرم‌افزار در فضای مجازی راه‌های مختلفی را برای دور زدن تحریم‌های اطلاع‌رسانی آزاد در جهان برگزیده‌اند. «دانستن» و «آزادی اطلاع‌رسانی» در جهان امروز از لحاظ حقوقی یک «حق» اساسی است که مشروعیت و مقبولیت دولت‌ها و نظام‌های سیاسی را به چالش می‌کشد و بسیاری هوشمندانه‌می‌خوانند نام آنان به نیکی در تاریخ ثبت شود. آنها رمز بقای خود، احزاب

\_\_\_\_\_

## ناصرالدین شاه و ۱۱۲ همسرش!

**طاهره رشیدی**؛ وی حرمسرای غریض و طویل برای خود ساخت که وصف آن در تاریخ‌ها و سفرنامه‌های آن دوره امد است. به سخن «عین‌السلطنه» ۱۱۲ زن عسدی و صیغه‌ای داشت که به همراه نوکر و کلفت‌ها بیش از ۲۰۰۰ نفر بودند.

- مهم‌ترین زنان عقدی «ناصرالدین شاه»**

«گلین خانم» اولین زنی بود که ناصرالدین شاه در زمان ولیعهدی گرفت و از او ۳ فرزند داشت. یک پسر موسوم به «سلطان محمود میرزا» که ولیعهد بود و در ۲ سالگی درگذشت و ۲ دختر معروف به «فسرالدوله» و «فخرالملوک» خجسته خانم تاج‌الدوله، دختر سیف‌الله میرزا پسر فتحعلی شاه نخستین زنی بود که پس از استقرار سلطنت اختیار کرد. مشارالیها یک دختر و یک پسر آورد. دخترش «عصمت‌الدوله» بود و پسرش «سلطان معین‌الدین میرزا» که او نیز ولیعهد خوانده شد و در ۹ سالگی درگذشت. «شکوه‌السلطنه» دختر شجاع‌السلطنه پسر فتحعلی شاه یک پسر آورد که به «مظفرالدین شاه» باشد. «سرورالسلطنه» دختر عمادالدوله پسر خاقان، اولادی نیابرد. «جبران» ملقب به «فروغ‌السلطنه» ۲ پسر آورد موسوم به «ملک‌فاسم میرزا» و «ملکشاه» که هر دو را ولیعهد خواندند و یکی پس از دیگری درگذشتند. از زنان عقدی ناصرالدین شاه، «فروغ‌السلطنه» (جبران) و «سرورالسلطنه» و «شکوه‌السلطنه» به ترتیب در حیات شاه فوت کردند.

- مهم‌ترین زنان صیغه‌ای «ناصرالدین شاه»**

«زینت‌السلطنه» دختر سالار معروف که چند سال در خراسان با شاه جنگید، مشارالیها یک پسر آورد موسوم به «سالارالسلطنه» که در تاریخ تحریر این کتاب در فرنگستان زندگی می‌کند. «دربالسلطنه» از شاهزاده خانم بزرگ بود. یک پسر آورد موسوم به «کن‌السلطنه» که او نیز سال‌هاست در اروپا عمر می‌گذراند. «اخترالسلطنه» خواهر اوکنای قان میرزا که اولاد نیابرد. «شمس‌الدوله» دختر ضعدالدوله پسر فتحعلی شاه که برادرهایش «عین‌الدوله» صدراعظم مظفرالدین شاه و وجیه‌الله میرزا

\_\_\_\_\_

دولت روحانی و کم‌توجهی به روزنامه‌نگاران

# دانستن حق مردم است؟!!

- ایمان پاک‌مهر

صنعی و همه‌جانبه از روزنامه‌نگاران به تعبیری ناکام مانده و به نظر برخی کارشناسان، نتوانسته کارنامه قابل قبول‌تری داشته باشد.

\_\_\_\_\_

۱- تشکل مستقل‌صنعی روزنامه‌نگاری در دوران دولت روحانی تاسیس نشده‌است.

۲- صندوق حمایت از هنرمندان با انبوه متقاضی و ثبت‌نام‌کننده درگیر سیاست‌گذاری‌های تازه و احتمالاً اصطکاک‌زا بوده و به‌رغم تلاش وافر برای خدمت‌رسانی با گذشت ۴ ماه از سال جاری، هنوز فایل ثبت‌نام در بخش بیمه تکمیلی درمان، سایت **honarcredit.ir** برای اعضا باز نشده و به‌رغم ثبت‌نام و پرداخت حق عضویت، مدتی است کارت عضویت صادر نشده‌است.

۳- برای ساماندهی(!) روزنامه‌نگاران و اهل قلم، بودی‌سایتی به نام «سمان» (**saman.ir**) ایجاد شده بود تا سامان‌دهنده باشد ولی بعد از مدتی اعلام شد روزنامه‌نگاران باید به سایت جدیدی مراجعه کنند. این سایت نیز با انبوهی از داده‌ها، اسناد و سابقه‌های کاری آلوده‌شده، از فعالیت باز ایستاد. ۴- سپس اطلاع داده شد سایت جدیدی به نام **e-resanehir** ایجاد شده و اهل قلم و روزنامه‌نگاران باید در این سایت ثبت‌نام کرده و تکمیل پرورنده کنند تا بتوانند پس از تایید، از حمایت‌های(!) دولتی درباره بیمه تامین اجتماعی و… بهره‌مند شوند. هر چند به گفته مسؤولان ذی‌ربط، آنها در حال تصفیه و حذف افرادی هستند که روزنامه‌نگار نیستند و در دولت قبلی ابدارچی روزنامه نیز از حمایت‌های وزارت ارشاد برخوردار بوده و می‌خواهند حق را به حق دار برسانند. اما باید متصفانه پرسید: برای حمایت حداقلی، این همه باید مت‌ه به خشخاش گذاشت؟ چه گلی بر سر روزنامه‌نگار مستحق عضویت زده شده که می‌خواهند شغل‌های مرتبط با جامعه رسانه‌ای را از چتر حمایتی(!) خود حذف کنند.

۵- اگر با توهم توطئه به سایت‌های متمرکزسازی چون **e-resanehir** نگاه کنیم می‌بینیم که تلاش برای تمرکز اطلاعات اصحاب رسانه و هنر با چنین روشی نوعی خطاست، چرا که شاید هکری برجatti بتواند به بانک اطلاعاتی به دردبخوری دست یابد.

۶- سانت‌الایسم یا تمرکزگرایی، آفتی است که به گفته کارشناسان، گریبان وزارت فرهنگ

۹- برخی از صاحبان امتیاز روزنامه‌ها و نشریه‌های سراسری و محلی مجوز روزنامه و نشریه دیگری را نیز از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی دریافت کرده‌اند. گاه مشاهده شده مدیرمسئول یا صاحب‌امتیاز نشریه‌ای که عادت به بیگاری کشیدن از روزنامه‌نگاران، اهل قلم و هنر دارد و روزنامه خود را به دستگاه کبی از سایر خبرگزاری‌های دولتی تبدیل کرده و نشریه‌ای غیرتولیدی و کبی کار راه انداخته و به بنگاه تجاری تبدیل شده و بیشتر به جای آنکه به وظیفه حرف‌های بپردازد، به دنبال پول درآوردن از هر روش ممکن است و از کیسه بیت‌المال، یارانه‌های مطبوعاتی می‌گیرد و به مطبوعات دوگانه‌سوز و مرثیه‌سرای قدرت و آگهی‌نگار تبدیل شده است، پروانه فعالیت نشریه‌ای دیگر را نیز دریافت می‌کند.

۱۰- متاسفانه در سایت **e-resanehir** بخشی برای ثبت‌نام خبرنگار یا روزنامه‌نگار «آزاد» وجود ندارد. هر چند در تعریف درج‌شده، روزنامه‌نگاران مورد حمایت صنعی کسانی هستند که به طرق مختلف در یک نشریه مشغول کار هستند اما اگر روزنامه‌نگاری نخواهد تن به بیگاری در یک روزنامه دهد و محصولات فکری و قلمی خود را به دلخواه به هر نشریه‌ای که صلاح بداند بفروشد یا در فضای مجازی متعلق به خود یا رسانه مجازی دیگر منتشر کند، حق بهره‌مندی از نعمت‌های(!) وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی را نخواهد داشت؟ مسؤولان این وزارت‌خانه باید توجه داشته باشند که اگر روزنامه‌نگار آزاد، قصد دارد در این سایت ثبت‌نام کند یعنی می‌خواهد در چارچوب قانون فعالیت کند ولی فرصت حمایت‌های حداقلی دولت را از دست می‌دهد. ۱۱- همچنین قراردادهای کار در مطبوعات بویژه در مطبوعات محلی مورد نظرات دقیق نیست و حقوق صاحبان قلم، هنر و عکاس‌های خبری به روش‌های مختلف نقض می‌شود.

\_\_\_\_\_

اما به‌رغم همه موانع و به‌اصطلاح زمین‌های مین‌گذاری‌شده، روزنامه‌نگاران در سراسر جهان و در این سرزمین کهن، همچنان در تلاشند تا با پذیرش واقعیت‌ها و منطق روز به فعالیت پرداخته و با حداکثر توان و ازخودگذشتگی، در عمری محدود و غیرقابل تکرار، برابر بخشی از وظیفه حرف‌ف‌ای، از درد و رنج مردمان بکاهند.

■ ■ ■



فردی شکست‌خورده است یا در آینده شکست خواهد خورد. پس دلیل تعدد همسر هم لذت است و هم تظاهر به لذت برای اینکه نشان داده شود این پادشاه موفق است.

- همسران متعددی از کجا می‌آمدند؟**

پس از این مقدمه کوتاه بهتر است سیر کوتاهی در شرح احوال همسران شاه داشته باشیم. «گلین خانم» نام اولین زن عقدی ناصرالدین شاه است. او در ۱۴ سالگی با ولیعهد آن زمان و شاه سال‌های بعد ازدواج کرد تا نشانه‌ای بر بلوغ ولیعهد باشد؛ موضوعی که در عالم سیاست معنای خاصی داشت. بعد از او زنان دیگری وارد زندگی ناصرالدین شاه شدند. برخی هدیه امیران ولایت‌های مختلف بودند، برخی را شخص شاه یا خانواده او به حرمسرا آورده بودند، برخی کنیزکان حاصل از سرکوب شورش‌ها یا جنگ‌ها بودند و برخی مثل همان گلین خانم از دختران خاندان قجری.

- فرجام حرمسرای ناصرالدین شاه چه شد؟**

با قتل ناصرالدین‌شاه و ورود حرمسرای شاه جدید، زنان شاه پیشین باید حرمخانه را تخلیه می‌کردند بنابراین آنان را روز ششم محرم ۱۳۱۲ هـ ق پیش از پایان عهده‌شان از اندرون بیرون کردند. گروهی با الاغ کرایه، دسته‌ای با تراموا، شماری پیاده و برخی نیز با کالسکه بیرون رفتند. مردم هم دسته‌دسته و گروه‌گروه

\_\_\_\_\_
اشاره

**قدرت قانون**

«چرچیل» در ۳۰ نوامبر ۱۸۷۴ در «لنهایم پالاس» در آکسفوردشر انگلستان در خانواده معروف «سپنسر» به دنیا آمد. پدرش «لرد راندولف چرچیل» سیاستمدار و مادرش «لیدی راندولف چرچیل» دختر یک میلیون آمریکایی بود. او همچنین برادری به نام «جان استرنج اسپنسر چرچیل» داشت. چرچیل ابتدا به مدرسه «هارو» و پس از آن به «کادمی نظامی سلطنتی سندهرست» ملحق شد. در سال ۱۸۹۳ به ارتش بریتانیا پیوست و در ۱۸۹۸ به‌عنوان افسر ارتش در جنگی در سودان شرکت کرد. در سال ۱۸۹۹ ارتش را به قصد انجام فعالیت‌های سیاسی ترک کرد ولی قیبل از آن به‌عنوان روزنامه‌نگار به آفریقای جنوبی که در آن «جنگ دوم بوئر» در جریان بود رفت. در آنجا توسط بوئرها به‌عنوان اسیر جنگی دستگیر و زندانی شد ولی چرچیل توانست از آنجا فرار کند. وینستون چرچیل در سال ۱۹۰۰ به‌عنوان عضو حزب محافظه‌کار وارد پارلمان اولدهام شد ولی بعد از مدتی از حزب جدا شد و در سال ۱۹۰۴ به حزب لیبرال پیوست. چرچیل از مخالفان سیاست‌های خلع سلاح داوطلبانه بود و همچنین از سیاست مماشات بریتانیا و فرانسه در مقابل زیاده‌خواهی‌های هیتلر انتقاد می‌کرد. با شکست سیاست مماشات، زبر پا گذاشته شدن توافقنامه مونیخ، شروع جنگ دوم جهانی و حمله آلمان به بلژیک، هلند و فرانسه، در ماه مه ۱۹۴۰ «تویسل چمبرلن» از سمت نخست‌وزیری کناره گرفت و وینستون چرچیل در ۶۵ سالگی در ج‌ای او به‌عنوان نخست‌وزیر و وزیر دفاع قرار گرفت. در زمان جنگ دوم جهانی هم‌زمان با پادشاهی جورج ششم، نخست‌وزیری بریتانیا در دست وینستون چرچیل بود. چرچیل در طول جنگ به برقراری روابط قوی با رئیس‌جمهور آمریکا «فرانکلین روزولت» را دادخت. چرچیل قدرت را در انتخابات بعد از جنگ در سال ۱۹۴۵ از دست داد، با این حال رهبر اپوزیسیون باقی ماند. در مقابل زیاده‌خواهی «استالین» پس از جنگ دوم جهانی (به‌عنوان مثال الحاق لیتونی، استونی، لیتوانی و شرق لهستان به خاک شوروی) و اشغال نظامی و تشکیک دولت‌های استبدادی دست‌نشانده شوروی در اروپای شرقی، چرچیل اروپا و آمریکا را به اتحاد در مقابل کمونیسم تشویق کرد. اصطلاح «برده اهنین» نیز توسط او رواج داده شد. چرچیل دوباره در سال ۱۹۵۱ به‌عنوان نخست‌وزیر انتخاب شد و در سال ۱۹۵۵ برکنار شد. با این حال تااواخر عمر عضو پارلمان بریتانیا باقی ماند و همچنین عنوان پدر مجلس را در اختیار داشت. از گرایش‌های سیاسی او می‌توان به مخالفت او با اعطای استقلال به هند اشاره کرد. چرچیل در دنیای سیاست بریتانیا نقش بزرگی بر عهده داشت، چراکه نقش و دخالت سلطنت را در سیاست بریتانیا به تدریج تقلیل داد و تأثیرات این عملکرد از دوران ملکه «ویکتوریا» تا ملکه «الیزابت دوم» به چشم می‌خورد. نقل قول معروف چرچیل درباره جنگ دوم جهانی و حاکمیت قانون که در کتاب خاطراتش هم نقل شده بسیار حائز اهمیت است. از وی در ایام جنگ دوم جهانی پرسیدند آیا می‌دانستی فاتح جنگ خواهی شد؟ پاسخ داد با یک حادثه ساده بی بردم جنگ را خواهیم برد. شرکت در جلسه‌ای حیاتی در رأس ساعتی معین الزام‌آور شد چرچیل می‌گوید:به علت اشتغال به کارهای دیگر چند دقیقه مانده به جلسه به راننده‌ام گفتم مرا فوری به محل جلسه برساند. راننده مسیر کوتاه‌اام ورود ممنوع را انتخاب کرد.وسط خیابان ناگهان افسر راهنمایی و رانندگی قبض جریمه به دست در حین بمباران پیدا شد و دستور توقف داد. راننده گفت: «نخست‌وزیر است و به جلسه محرم‌نهای می‌رود و باید در رأس ساعت به جلسه برسد و به دلیل اعتبار از خیابان ورود ممنوع استفاده کردم». افسر با خونسردی گفت: «هم ماشین و هم نخست‌وزیر و هم وظیفه‌ام را خوب می‌شناسم». چرچیل می‌خواهد تا افسر، جریمه را به نام او بنویسد اما افسر می‌گوید: «جریمه متعلق به راننده خطای است و باید نام وی نوشته شود اما شما می‌توانید شخصا پرداخت قبض را بر عهده بگیرید.» با تسلیم قبض، چرچیل دستور دور زدن را به راننده داد، چرا که نمی‌تواند اجازه دهد در خیابانی که ورود ممنوع است حتی پس از جریمه حرکت داشته باشد، وقتی راننده مشغول دور زدن شد چرچیل با لیخندی خاص سیگار برکش را روشن کرد و گفت: «جنگ را می‌بریم!» راننده گفت: «فریان، جریمه شدیم، زیر بمباران ماندیم، به جلسه نمی‌رسیم، افسر راهنمایی اجازه نداد چند قدم دیگر جلو برویم که بموقع به جلسه برسیم و شما از پیروزی می‌گویید!؟» چرچیل پاسخ می‌دهد: «جنگ را می‌بریم، چون قانون حاکم است و خیابان‌های لندن به رغم بمباران سنگین دشمن با قانون اداره می‌شود.»

منبع:

**توفان نزدیک می‌شود: خاطرات جنگ دوم جهانی**
وینستون چرچیل، نخست‌وزیر اسبق انگلیس